



به منظور رشد تجارت و اقتصاد هموطنان عزیز، عزیزی بانک افتخار دارد تا قروض متوسط خویش را با مبلغ 100000 - 500000 دالر امریکایی، پیشکش نماید. هموطنان عزیز میتوانند از مزایای قرضه مذکور با شرایط سهل مستفید شوند.



www.azizibank.af

1515

یادداشت روز

در ماندگی در «سنگین»

دوشنبه هفته‌ی گذشته ولسوالی سنگین ولایت هلمند مجدداً مورد حمله‌ی طالبان قرار گرفت. درگیری‌یی که سبب شد رییس اجراییه‌ی حکومت با وزیر دفاع و معاون اول امنیت ملی به آن ولایت سفر کنند. این درگیری گرچه با ورود کماندوهای ارتش، به‌عنوان یک خطر درجه‌یک محسوب نمی‌شود و بر اساس خبرنامه‌یی که دفتر مطبوعاتی ولایت هلمند نشر کرده، پنج مخفی‌گاه طالبان نابود شده و دست‌کم ۱۸ عضو طالبان نیز کشته‌شده‌اند، اما نمی‌تواند به معنای پایان موقتی درگیری در این ولسوالی تلقی شود.

سنگین تقریباً در تمام این‌سال‌ها خط دائمی نبرد و رویارویی حکومت با طالبان بوده است. به این ترتیب دشوار است که تخمین بزنیم نبرد اخیر در این ولسوالی، چندمین درگیری حکومت با طالبان در سنگین بوده است. قدر مسلم این است که هیچ‌وقت حکومت نتوانسته بر این ولسوالی کنترل داشته باشد. ولسوالی کوچکی با جمعیت تقریبی کمتر از ۶۰ هزار نفر، در طی یک‌ونیم دهه کانون بحران و درگیری‌های مرگبار بوده است. به‌نظر می‌رسد در کنار این که پرسیم، چرا حکومت نمی‌تواند کنترلش را بر ولسوالی سنگین بگسترده، چند نکته‌ی دیگر را نیز پیش از آن، مورد تأمل قرار دهیم.

یکم؛ سنگین با جمعیت تقریبی کمتر از ۶۰ هزار نفر، یکی از ولسوالی‌های کوچکی است که میدان اصلی نبرد طالبان در دو سال اخیر بوده است. به‌لحاظ سیاسی، حکومت در برابر این ولسوالی کوچک عملاً درمانده است. حکومت پنج برابر کل نفوس این ولسوالی، نیروی نظامی دارد. توانایی و حمایت هوایی «ناتو» و نیروهای ایالات متحده‌ی امریکا و در چند سال گذشته، نیروهای...

ادامه در صفحه ۲



برف‌باری‌های سنگین شاهر اهل سالنگ و مسیر بامیان و دایکندی را مسدود کرده است

صفحه ۲

ریاست [برادران] اجراییه غیر از عطا محمد نور

در انتخابات پرتنش که تمام اختلاف‌ها بر محور نتیجه‌ی انتخابات ریاست‌جمهوری می‌چرخید، مادامی که عبدالله همدار به ساختن حکومت موازی می‌کرد، چشم‌ها به بلخ دوخته می‌شد. جایی که عطا محمد نور، حامی سیاسی و مالی تیم اصلاحات و همگرایی، با اقتدار خودش را برای رویارویی با اشرف غنی آماده می‌کرد. والی بلخ در آن زمان تکیه‌گاه بسیاری از جوانانی بود که حامی اصلاحات و همگرایی بودند و قایل به این تصور که «نمی‌شود با نرمش در این مناقشه...»

صفحه ۴



صفحه ۳

ملیسه‌های افغانستان: دشمنی در داخل؟

کابل - از زمانی که سربازان بین‌المللی به‌رهبری ایالات متحده در افغانستان رسیدند، بیش از ۱۵ سال می‌گذرد. امروزه، خیابان‌های کابل پر است از سالن‌های زیبا و در راه‌بندان‌ها، موسیقی هندی با صدای بلند پخش می‌شود. با این حال...

با افغان بیسیم میلیونر شوید!
1 جایزه بزرگ
با مصرف نمودن 60 افغانی و یا بیشتر از آن در هر هفته چانس برنده شدن را بدست آورید!

1,000,000

افغانی

با مصرف نمودن کردیت بیشتر، چانس برنده شدن شما بیشتر میگردد!
برنده گان جوایز فقط از طریق شماره 152 مطلع خواهند شد و افغان بیسیم هیچ وقت در بدل جایزه تقاضای پول و یا کردیت نمی‌کند.



این پیشکش الی 10 فور 1396 ادامه دارد.

راجستر سیمکارت حتمی است. مشتریانی این جوایز را بدست آورده میتوانند که سیمکارت به اسم خودشان ثبت باشد.



www.afghan-wireless.com



ارتباط دهنده افغانستان
Connecting Afghanistan

انگلیس همواره در حمایت از نیروهای افغان در مهار ناامنی‌ها در این ولسوالی همراه نیروهای نظامی کشور بوده است. با وصف این توانایی و علی‌رغم ادعای رهبران سیاسی، به‌خصوص رهبران حکومت وحدت ملی، تاکنون دولت هیچ دستاورد مهمی در این ولسوالی نداشته است. از این منظر، نبرد سنگین، به‌معنای کاهش اقتدار حکومت و به چالش کشیدن آن نیز است. دوم؛ سنگین، بخشی از جغرافیای نامن هلمند است. جایی که بزرگترین تولیدکننده‌ی مواد مخدر جهان است و از سوی دیگر هم‌مرز با پاکستان و در کنار آن، محلی که مافیای مواد مخدر، همدستان آن‌ها و تروریست‌ها در تپانی آشکار، برنامه‌ی ناامن‌سازی دایمی آن را ریخته‌اند. از این جهت، بهتر است ناامنی در سنگین و ناتوانی حکومت در سرکوب طالبان در این ولسوالی را نباید صرفاً به‌معنای درماندگی در برابر طالبان تلقی کرد. ناامنی در کل هلمند و در ولسوالی سنگین، در بافتار تپانی قاچاقچی‌های مواد مخدر، کشت‌کنندگان آن، همدستان این گروه و همکاری راهبردی آن‌ها با شبه‌نظامیان طالبان قابل درک است.

از این جهت ساده‌لوحانه است اگر کل ماجرا را به قدرت طالبان در این ولایت ربط بدهیم. به این دلیل می‌توان نتیجه گرفت که ناامن‌سازی سنگین و باقی ولسوالی‌های هلمند در راستای هدفی اجرا می‌شود که منفعت قاچاقچی‌ها و کشت‌کنندگان مواد مخدر و طالبان و شرکای اقتصادی آن‌ها را تضمین می‌کند. برای تولید مواد مخدر و انتقال آن به خارج از مرزهای کشور، هیچ گزینه‌یی بهتر از ناامنی دایمی نیست. هر دو طرف این ماجرا، سودشان را در گسترش دامنه‌ی جنگ جست‌وجو می‌کنند. از سوی دیگر، این کار ممکن نیست مگر این‌که آن‌ها کسانی را در رده‌های بلند نیروهای امنیتی با خودشان همدست کنند. از سوی دیگر، طالبان نیز با بهره‌گیری از این وضعیت، منافع سیاسی و اقتصادی‌شان را دنبال می‌کنند.

در اواخر ماه سنبله تلویزیون یک گزارشی از واگذاری پسته‌های امنیتی به طالبان منتشر کرد. در ابتدای امسال ویدیوهایی نشر شد که نشان می‌داد سربازان اردوی ملی به‌صورت خودخواسته در حال ترک پایگاه‌های نظامی‌شان هستند. به همین ترتیب، گزارش‌هایی که خبرنگاران محلی منتشر می‌کنند، و بر مبنای آنچه که «سبگار» از فساد در نیروهای امنیتی گزارش کرده و به‌موجب این‌که مافیای مواد مخدر همواره در سایه‌ی فساد حاکم قادر به خریداری مقامات امنیتی شده‌اند، تردیدی باقی نمی‌ماند که ناکامی حکومت در نبردهای «سنگین» محصول همدستی این گروه‌هاست.

سوم؛ به نظر نمی‌رسد که حکومت حتا بر فرض ناگزیری، بتواند برخی از محلات ناامن را به طالبان واگذار کند. این کار به‌معنای به‌رسمیت شناختن این گروه است و حربه‌ی تبلیغاتی کاربردی را در اختیار آن‌ها قرار می‌دهد تا حکومت را تحت فشار قرار دهند. این وضعیت را بافتار قومی و منازعات قومی دیرپای محلی نیز تشدید می‌کند. در گذشته، مواردی بوده است که به‌دلیل تقابل سیاسی یا تضادهای محلی، و در مواردی نیز به‌دلیل انتقام گرفتن از حکومت یا نیروهای بین‌المللی، گروهی از افراد همدست طالبان شده‌اند. تداوم جنگ در هلمند نیز متکی بر همین منازعات محلی و بیناقبیله‌یی است. طالبان در غیبت این منازعات و در صورتی‌که حامی محلی نداشته باشند، هرگز قادر به گسترش ریشه‌های خود و مقاومت چندساله نخواهند بود.

بنابراین، حکومت در هلمند با چالش‌های زیادی روبه‌رو است. تعهدپذیری مقامات امنیتی و سربازان، حل منازعات محلی و سیاسی و کنترل مافیای مواد مخدر، زمینه‌ی برخورد جدی با طالبان را فراهم می‌آورد؛ کاری که بعید است حکومت وحدت ملی از عهده‌ی انجام آن بیرون شود.

برف‌باری‌های سنگین شاهر اه‌سالنگ و مسیر بامیان و دایکندی را مسدود کرده‌است

شهرستان برگشته‌اند.

دفتر مقام ولایت دایکندی گفته است که فعلاً به جز چند موتر نوع کاماز، مسافری در کوتل گیر نمانده است.

پیشتر گزارش‌هایی منتشر شده بود که برف‌باری در این مسیر تلفات انسانی هم در پی داشته است. اما دفتر ولایت دایکندی گفته است که تلفات انسانی در کوتل قوناق صحت ندارد و تصاویری نشر شده مربوط سال‌های گذشته است.

رئیس مبارزه با حوادث طبیعی ولایت غور، حامدالله دادفر نیز گفته است که در حال حاضر ارتباط زمینی مرکز غور با هرات و بامیان و همچنان تمامی راه‌های ۹ ولسوالی ولایت غور مسدود است.

او به بی‌بی‌سی فارسی گفته است که به علت تداوم بارش برف و محدودیت ساحه‌ی دید، امکان بازکردن راه‌ها وجود ندارد.

به گفته وی، این وضعیت احتمالاً باعث افزایش قیمت مواد خوراکی و سوخت در ولسوالی‌های غور خواهد شد.

راه‌های مواصلاتی چندین ولایت کشور در حالی در اثر برف‌باری مسدود می‌شود که چند روز پیش وزارت دولت در امور رسیدگی به حوادث اعلام کرده بود که برف‌باری و باران‌های شدید در ۱۵ ولایت جان ۲۱ تن را گرفته، ۱۶ زخمی برجای گذاشته و ۲۱ منزل را کاملاً تخریب کرده است.

این وزارت با نشر خبرنامه‌یی به روز شنبه ۹ دلو گفته بود که این حادثه در ولایت‌های قندهار، غزنی، پکتیا، غور، زابل، بغلان، ننگرهار، کنر، کاپیسا، نورستان، پروان، هرات، لغمان، بامیان و پنجشیر اتفاق افتاده است.

دروازه‌های ۱۵۸ مکتب در غرب کشور بسته شد

مسدود است.

رئیس معارف ولایت فراه، محمد صابر فاروقی گفته است: «اخیراً این اداره با همکاری یکی از نهادهای بین‌المللی اقدام به راه اندازی ۷۰۰ صنف محلی کرده است که بیش از ۳ هزار شاگرد در آن مصروف تعلیم می‌باشند.»

فاروقی افزود اداری معارف این ولایت ۲۰۰ هزار شاگرد دارد که ۶۰ درصد آنان پسران و متباقی دختران هستند.

عبدالحی خطیبی، سخن‌گوی والی غور نیز گفته است که در حال حاضر دروازه‌ی ۵۸ باب مکتب در ولسوالی‌های تولک، شهرک و دولینه‌ی ولایت غور به علت ناامنی به روی ۲۷ هزار دانش‌آموز دختر و پسر مسدود است.

او گفته است که هم‌اکنون ۲۳۰ هزار دانش‌آموز تحت پوشش ریاست معارف ولایت غور استند که ۴۰ درصدشان را دختران و اطفال تشکیل می‌دهند.

براساس این گزارش و به نقل از رییس معارف ولایت بادغیس، ۴۷ باب مکتب دیگر در ولسوالی‌های آب‌کمری، مقر و بالامرغاب ولایت بادغیس به دلیل تهدیدات امنیتی مسدود است که ۳۰ درصد از مجموع دانش‌آموزان معارف در ولایت بادغس از رفتن به مکتب محروم مانده‌اند. عبدالقیوم ساجد گفته است که بر اثر تلاش نیروهای امنیتی در یک ماه اخیر دروازه ۹ باب مکتب در ولایت بادغیس به روی شاگردان بازگشایی شده است. او گفته است که ریاست معارف بادغیس ۱۳۴ هزار شاگرد تحت برنامه‌های تدریسی خود دارد.

آمار مسدود بودن مکاتب در غرب کشور درحالی ارایه می‌شود که پیشتر وزارت معارف کشور گفته بود هنوز هم حدود سه‌ونیم میلیون کودک از رفتن به مکتب محروم‌اند. براساس آمار وزارت معارف در حال حاضر ۹ میلیون طفل در سراسر افغانستان به مکتب می‌روند.

والی سرپل: پسر طاهر یلداش برای داعش سربازگیری می‌کند

والی سرپل همچنان هشدار می‌دهد در صورتی‌که کوهستانات ولایت سرپل از وجود هراس‌افگنان پاکسازی نشود، ادامه‌ی حضور و فعالیت‌های هراس‌افگنان در این ولسوالی سخت خطرآفرین خواهد بود.

آقای وحدت درحالی از سربازگیری داعش در ولایت سرپل خبر می‌دهد که پیش از این داعش در ولایت ننگرهار بارها با نیروهای امنیتی افغان درگیر شد. ننگرهار به‌عنوان خاستگاه داعش در افغانستان خوانده می‌شود.

هند مدت ویزای سیاحتی و تجاری را برای شهروندان افغانستان افزایش داد

اطلاعات روز: سفارت هند در کابل با نشر خبرنامه‌یی گفته است که شرایط اخذ ویزا برای شهروندان افغان را ساده‌تر کرده است.

براساس خبرنامه‌یی که این سفارت در صفحه‌ی رسمی فیسبوک خود منتشر کرده، زمان ویزای سیاحت به یک سال تغییر کرده است و شخص می‌تواند در هر بازدید ۹۰ روز در آن کشور بماند. پیش از این مدت اقامت در هر بازدید ۳۰ روز بود. براساس این خبرنامه، بازدیدکننده مکلف است که میان هر بازدیدش از هند، دو ماه یا ۶۰ روز وقفه داشته باشد.

سفارت هند در خبرنامه‌اش نوشته است که دولت هند به‌منظور تحکیم هرچه بیشتر روابط تجاری هند و افغانستان، ویزای هند را برای سرمایه‌گذارهای افغان هم ساده‌تر کرده است.

به نقل از بی‌بی‌سی فارسی، تاجرها و سرمایه‌گذارهای افغان نظر به حجم سرمایه‌گذاری‌شان، می‌توانند با نشان دادن اسناد مربوط، از یک تا ۵ سال ویزا بگیرند. زمان اقامت در هر دیدار ۱۸۰ روز تعیین شده است .

هند و افغانستان در سال ۲۰۱۵ توافق کردند که برای توسعه‌ی تجارت و تشویق سرمایه‌گذاری اتاق مشترک تجارت ایجاد کنند.

هند در طول چهار سال گذشته یکی از کمک‌کننده‌های اصلی افغانستان بوده است و حجم تجارت میان دو کشور سالانه حدود ۶۰۰ میلیون دالر است.

ولایت هلمند: در حمله‌ی گروهی طالبان بر ولسوالی گرمسیر ۵۴ طالب مسلح کشته شده‌اند

اطلاعات روز: دفتر مطبوعاتی ولایت هلمند می‌گوید ۵۴ طالب مسلح در حمله‌ی دیشب گروه طالبان بر ولسوالی گرمسیر این ولایت کشته شده و اجساد آنان در میدان نبرد باقی مانده‌اند.

براساس خبرنامه‌یی که این دفتر منتشر کرده، جنگجویان طالب پنج‌شنبه شب از چندین جهت بالای این ولسوالی حمله کرده اما نیروهای امنیتی و دفاعی این حمله‌ی گروهی را عقب زده‌اند.

این خبرنامه که شام روز جمعه منتشر شده، گفته است که اجساد باقی‌مانده‌ی طالبان به میانجیگری بزرگان قومی به وابستگان آنان تحویل داده می‌شود. در میان این کشته‌شده‌گان سه قوماندان طالبان نیز شامل‌اند.

در این خبرنامه آمده است که درگیری میان نیروهای امنیتی افغان و گروه طالبان سه سرباز افغان شهید شده و پنج تن دیگر زخمی شده‌اند. در حال حاضر منطقه در کنترل نیروهای امنیتی قرار دارد.

۱۲ عضو داعش در ولسوالی کوت ننگرهار کشته شدند

اطلاعات روز: حاجی سیدالرحمان، ولسوال ولسوالی کوت ولایت ننگرهار می‌گوید گروه داعش پنج‌شنبه شب بر پوسته‌های نیروهای امنیتی افغان در قریه‌ی سیداحمد خیل حمله کرده و در درگیری میان نیروهای امنیتی و گروه داعش تلفات سنگین به دو طرف وارد شده است.

این درگیری چهار ساعت ادامه یافته که در آن ۱۲ جنگجوی داعش کشته شده‌اند. اجساد آنان در میدان نبرد باقی مانده و کشته‌شدگان داعش اتباع خارجی به‌ویژه اتباع اورکزی پاکستان‌اند.

پنج پولیس محلی نیز در این درگیری به شهادت رسیده و شش پولیس محلی دیگر زخمی شده‌اند. صدای امریکا به نقل از ولسوال کوت نوشته است که در این رویداد یکی از سران قومی به نام ملک ابراهیم نیز کشته شده است.

حضرت حسین مشرقی‌وال، سخن‌گوی فرماندهی پولیس ولایت ننگرهار نیز کشته شدن ۱۲ عضو گروه داعش را تایید کرده است.

در یک خبر دیگر وزارت دفاع ملی به روز جمعه گفته است که در ۲۴ ساعت گذشته ۱۳ دهشت‌افگن به شمول یک عضو گروه داعش کشته شده و ۳ دیگر زخمی شده‌اند.

در خبرنامه‌ی وزارت دفاع ملی آمده است که «در مربوطات گورته‌ی مرکز ولایت قندوز ۸ دهشت‌افگن کشته ۶ تن به‌شمول مولوی گل نبی ولسوال نام‌نهاد دستگیر گردیده است، در مربوطات مرکز ولایت وردک ۳ دهشت‌افگن کشته، ۲تن زخمی، در مربوطات ولسوالی میوند ولایت قندهار ۴ شورش‌ی طالب از بین رفته‌اند و در مربوطات ولسوالی ده بالای ولایت ننگرهار یک تن داعشی کشته شده است.»

خبرنگار ناراضه

شهر نو یا حیاط خلوت
گل نبی خان؟

شما گاهی عروسی رفته‌اید؟ حتماً رفته‌اید. در محفل عروسی به این مورد برخورد کنید که مهمان‌ها بین هم خانواده‌ی داماد را فحش می‌دهند؟ مثلاً می‌گویند «بر پدر ای خرس ره لعنت با ای مصرفش! رواجه بد کند.» یا دیده و شنیده باشید که می‌گویند «این بی‌ناموس که مرده نان داده نمیتانه، چرا عروسی می‌گیره. ای نانسه سیل کو، والله اگه کسی خیرات‌خوره ای‌قسم نان بته! نه یک آوازخوان آورده، نه یک سالون خوب گرفته و ...»؟

اما همه‌ی عروسی‌ها این‌گونه نیست. همان‌گونه که زندگی یک مقام دولتی با زندگی بقیه‌ی مردم فرق دارد، جشن عروسی‌های شان نیز فرق دارد. شما می‌گویید هیچ فرق ندارد؟ بله، آن دیوارهای کانکریتی اطراف خانه‌ی مقامات، آن لشکر نیروهای امنیتی که بیست‌وچهار ساعت از آن‌ها محافظت می‌کنند، آن زورگویی‌ها در سرک و کوچه و ادارات، آن آپارتمان‌ها که هر سال بیشتر و بلندتر می‌شود، فرق نیست چیست؟

به هر صورت، هفته‌ی گذشته عروسی پسر یکی از مقامات امنیتی شهر کابل بود که الهی خوشبخت شوند (نه این که مثل پدرش آدم قدرتمندی شود، بلکه آدم شوند). این که مهمان‌های این مقام معظم در مورد او چه می‌گفتند و چه نمی‌گفتند، به بقیه‌ی مقامات و آدم‌های مخوف کابل معلوم است. اما هفته گذشته و در شب عروسی پسر این مقام معظم امنیتی کابل، مردمی که حتا در عروسی دعوت نبودند، هم حرف‌هایی داشتند.

یکی می‌گفت: «نمی‌دانم عروسی کدام ... است که تمام شهرنو را تعطیل کرده. ما را حتا اجازه‌ی رفتن به خانه‌های مان هم نمی‌دهد.»

دیگری می‌گفت: «والله نوش جان آقای گل نبی احمدزی، مرتیکه قوماندان گارنیزون کابل است، زور دارد، تمام نیروهای امنیتی را در سطح شهر مستقر کرده که امنیت رقص و پایکوبی‌اش را بگیرد.»

یکی دیگر نوشته بود که «خیر و خیریت لالا! عروسی بچه قوماندان اس! به قرآن شک ندارم که خود اشرف غنی هم گنجشک می‌رقصه. اتمر صاحب با آقای استانکزی اتن دارن. داکتر عبدالله هیچ دعوت نیس، هههههههه...؟!»

در این میان دختر خانمی هم نوشته است که «من اگر رییس جمهور بودم، آقای گل نبی را فوراً به ارگ احضار می‌کردم و از وظیفه سبکدوشش می‌کردم و اعلام می‌کردم که از این به بعد، برای هیچ کسی -فرق نمی‌کند آخر اسمش احمدزی باشد یا گل‌زی- اجازه نیست که نیروهای امنیتی را برای تأمین امنیت محافل شخصی خود در شهر مستقر کند. شما برای پسر تان عروسی می‌گیرید یا برای نیروهای امنیتی کشور؟ یا نکند نیروهای امنیتی کشور، نوکر شخصی تان است؟ حتا اگر نیروهای امنیتی کشور نوکر شما باشند، شما به چه حقی زندگی را بر مردم شهر تنگ می‌کنید؟ چرا نباید بتوانیم به خانه‌های خود برویم یا چرا باید برای رفتن به خانه‌های خود، تمام شهر نو را دور بزیم؟ حیف که من رییس جمهور نیستم و صد حیف که رییس جمهور فعلی به اعضای قبیله‌اش اجازه‌ی هر غلطی را می‌دهد.»

حتا یکی از همین نیروهای امنیتی که مجبور بوده ساعت‌ها به خاطر عیش و عشرت آقای گل نبی، نه ببخشید به‌خاطر عیش و عشرت پسر قوماندان گارنیزون کابل، ساعت‌ها بهره‌داری کند و برای مردمش هم مزاحمت ایجاد کند، می‌گوید: «حرف از قانون و نظام و مقرر نیست. حرف از قدرت فردی هر قوماندان است. خدا این زوج را خوشبخت کند، اما باور کنید یکی از بدترین شب‌های عمرم بود. انگار هر لحظه و هر ثانیه، قوماندان صاحب و پسرش بر من تجاوز می‌کردند. ما مجبور بودیم مردم را اجازه‌ی تردد ندهیم و این برای من سخت عذاب‌دهنده بود. ما روزی که سوگند وفاداری به نظام را ادا کردیم، سوگند خدمت به مردم و وطن را یاد کرده بودیم. اما آن شب مجبور بودیم آن سوگند را زیر پا کنیم و برای قوماندان خویش نوکری کنیم.»

حالا به هر صورت، گور بابای ما مردم! قوماندان گارنیزون کابل که حتا سسی سرباز در اختیار نداشت برای تأمین امنیت تظاهرات جنبش روشنائی بفرستد، هفته گذشته، شاید سه هزار نیروی امنیتی را برای تأمین امنیت گماشته بود. او قوماندان است و از نزدیکان آقای رییس جمهور! دلش بایسکلس. خوش تان نمی‌آید، بفرمایید چهار طرف تان قبله! حکومت، نظام، قانون، تعهد، وطن، همین است که هفته گذشته، در محفل عروسی پسر یکی از مقامات حکومتی، به نمایش گذاشته شد. باقی حرف‌ها، همه هیچ اند. راستی ببخشید، همین لحظه یکی خبر داد که عروسی نبوده، شیرینی خوری بوده. بناً ملت شریف و آگاه کابل! باخبر باشید که جشن عروسی هم در راه است. یک بار دیگر، شهرنو یا کدام جای دیگر از شهر را به حیاط‌خلوت شخصی قیله‌گاه بزرگوار خویش تبدیل خواهند کرد، دست‌تان هم خلاص!

ملیسه‌های افغانستان: دشمنی در داخل؟

ملیسه‌های محلی شاید در حال حاضر متحد دولت باشند، اما از لحاظ تاریخی آن‌ها خ طراتی را متوجه حکومت مرکزی کرده‌اند

دیپلمات/لوااسیزاریتی ■ ترجمه: حمید مهدوی ■ بخش اول ■



با معامله تسلیم شوند و اسلحه‌شان را به‌صورت مستقیم به طالبان بفروشند. با این‌حال، در حالی که نیروهای شورشی از جنوب، شمال و شرق افغانستان در حال پیشرفت هستند، حکومت مرکزی چاره‌ی جز تکیه بر حمایت از این اشخاص سوال‌برانگیز ندارد. آموزش یک ارتش ملی کارآمد، به منابع و زمان بسیار نیاز دارد. از سال ۲۰۰۷ بدین سو، وقتی طالبان کم‌کم مناطقی را به تصرف‌شان درآوردند، حکومت افغانستان برای پاسخ دادن به این نیروهای متخاصم در حال پیشرفت، به بسیج سریع نیاز داشته است. چند سال بعد بود که با پیشنهاد و حمایت امریکایی‌ها و چند شخص بی‌میل برنامه‌ی ایجاد نیروهای مسلح محلی به‌عنوان یک اقدام ضد شورش نهادینه شد. ایجاد نیروی پولیس محلی افغانستان که امروزه به گفته‌ی وزارت داخله در ۱۱۷ ولسوالی فعال است، حالا یک مسأله‌ی بحث‌برانگیز در افغانستان است و بسیاری از ناظران استدلال می‌کنند که این نیرو بیشتر بی‌ثباتی آورده است تا امنیت. نیروهای استخباراتی افغانستان نیز با انواع دیگری از نیروهای دفاعی محلی، مانند خیزش مردمی یا ملیشه‌های مستقل، به‌صورت مستقیم تماس دارند. در ولسوالی اچین ولایت ننگرهار، مردان محلی وفادار به حاجی ظاهر قدیر، معاون اول مجلس و از چهره‌های شاخص در این منطقه، در خطوط مقدم علیه دولت اسلامی جنگیده‌اند. عملیات‌های نظامی آن‌ها به اندازه‌ی موثر بودن به بی‌رحمی شهرت یافته‌اند، اما تعداد اندکی می‌دانند که وقتی دولت اسلامی دیگر تهدیدی نباشد، نقش آن‌ها در این منطقه چه خواهد بود. صدیق صدیقی، سخنگوی وزارت داخله اطمینان می‌دهد: «ظاهر یک مرد دولتی است، جای نگرانی نیست.»

ادامه دارد...

جمعیت اسلامی بوده است. به گفته‌ی همدرد، امروز ملیشه‌ها عامل اصلی نارضایتی مردم محل و یکی از دلایل تصرف مناطق توسط طالبان هستند. او توضیح می‌دهد: «بی‌رحمی این گروه‌ها بدتر از بی‌رحمی ملیشه‌های تحت حمایت اتحاد جماهیر شوروی در گذشته است.» آن‌ها متعلق به هیچ‌کسی نیستند، بلکه افرادی هستند که نفع شخصی‌شان را دنبال می‌کنند، نه امنیت کشور را.»

ملیسه در افغانستان پدیده‌ی جدیدی نیست. حاکمان و قدرت‌های اشغالگر در این کشور، برای قرن‌ها، یک مدل ترکیبی نظامی را دنبال کردند و از یک ارتش متمرکز و هم‌چنین حمایت از قبایل محلی برای شکست دادن تهدیدات خارجی و داخلی و حفظ کنترل بر مناطق استفاده کردند. فرماندهان محلی این جمله را به‌عنوان یک شعار به تکرار می‌گویند: «افغان‌ها می‌دانند برای محافظت از روستاهای‌شان چگونه بجنگند.» هرکسی که تلاش کرد یک سیستم نظامی متمرکزتری را تحمیل کند، مانند شاه امان‌الله خان در دهه‌ی ۱۹۲۰، توسط همین گروه‌ها شکست خورد و با خشونت سقوط داده شد. دیر یا زود، این ارتش‌های غیردولتی در طول تاریخ برای نیروهای حاکم افغانستان شمشیر دولبه ثابت شده‌اند. سقوط قندوز در ماه اکتوبر ۲۰۱۵ یک نمونه است. غارت، تجاوز و دیگر انواع خشونت در نخستین روزهای محاصره‌ی این شهر توسط طالبان نیز توسط ملیشه‌های محلی طرفدار حکومت در جریان فرارشان از [ترس] پیشرفت‌های طالبان انجام شدند. عمر صافی، والی پیشین قندوز توضیح می‌دهد: «من بارها به حکومت مرکزی و جنرال کمپبل [فرمانده پیشین آیساف] در مورد خطر جنگ ۴۰۰۰ ملیشه مسلح در خط مقدم علیه طالبان، در حالی که صرف ۳۰۰۰ افسر پولیس وجود داشت، هشدار داده بودم.» او اضافه می‌کند: «ملیشه‌ها فروخته می‌شوند، آن‌ها می‌توانند

کابل - از زمانی که سربازان بین‌المللی به‌رهبری ایالات متحده در افغانستان رسیدند، بیش از ۱۵ سال می‌گذرد. امروزه، خیابان‌های کابل پر است از سالن‌های زیبا و در راه‌بندان‌ها، موسیقی هندی با صدای بلند پخش می‌شود. با این‌حال، خبرها از ولایات ناراحت‌کننده هستند. نیروهای امنیتی افغانستان در حال حاضر در نبرد فعال در حداقل ۲۶ ولایت از ۳۴ ولایت کشور درگیر هستند. حملات گاه‌به‌گاه، روال عادی روزانه‌ی این پایتخت پر هرج‌ومرج را که زمانی مرکز اشرف سکولار افغانستان بود و اکنون نقطه‌ی عطف کسب‌وکار جنگ است، مختل می‌کند. صرف چند کیلومتر دورتر از پیچ‌وخم به‌هم‌چسپیده‌ی کابل، دولت کنترل اندک دارد. یک فرمانده محلی در منطقه، مجاهد پیشینی که اکنون فرمانده ملیشه‌هایی است که امنیت رفت‌وآمد شریکان قراردادی امریکایی‌اش را در این منطقه تأمین می‌کند، می‌گوید: «این‌جا یک سرزمین بدون قانون است: کاری را انجام می‌دهیم که ما را خوشنود می‌سازد و مطمئن می‌شویم که امنیت دوستان ما تأمین است.»

افغانستان، باوجود اجرای برنامه‌ی خلع‌سلاح توسط سازمان ملل متحد، هنوز توسط فرماندهان محلی بی‌ای اداره می‌شود که بخشی از سلاح‌شان راه به حکومت داده‌اند اما مقدار مشهود و انگشت‌نمایی را برای خود نگهداشته‌اند. جمعه خان همدرد، والی پیشین و فرمانده ارشد حزب اسلامی که فعلاً مشاور امنیتی رییس‌جمهور غنی است، توضیح می‌دهد: «یک فرمانده ملیشه‌ها که در حکومت ثبت است به شما خواهد گفت که ۴ میل سلاح دارد، اما او در واقع ۲۰۰ میل سلاح و ۲۰۰ ملیشه دارد.»

او خودش عمدتاً یکی از زورمندان بلخ پنداشته می‌شود، ولایت شمالی‌یی که از دیروقت بدین سو در کنترل عطا‌محمد نور، والی قدرتمند و یکی از رهبران کلیدی حزب

ریاست [برادران] اجراییه غیر از عطا محمد نور



تردید نیست که نارضایتی از عبدالله در میان هواداران سنتی سیاسی اش افزایش یافته است. آن هم به این دلیل که عبدالله هیچ وقتی نخواست است راهی را برگزیند که امکان تغییر آن وجود نداشته باشد. او همواره به لحاظ سیاسی، یک رابط قوی بوده است؛ همین خاصیت نیز سبب شده که رفتارش بسیار منعطف و توأم با تفاهم باشد. حتی اگر این تفاهم ریشه در فشار خارجی‌ها داشته باشد. اما از جهتی دیگر، به نظر می‌رسد که موضع عطا محمد نور و عبدالله و سخنگویانش در یک نگاه کلی تر به تغییرات کلان سیاسی نیز ربط دارد. سران سنتی شمال این نگرانی را دارند که در صورت آمدن گلبدین حکمتیار و در صورت تداوم وضع موجود، به کلی به حاشیه نروند. راه جلوگیری از آن، می‌تواند این باشد که از چند جهت فشارها را بر غنی افزایش دهند. تلاش دوباره برای طرح بحث تمرکززدایی از قدرت از سوی عبدالله و طرح دریافت سهم بیشتر از سوی عطا محمد نور، در کنار مسایل دیگر، این فرض را نیز تقویت می‌کند که تمام این مسایل، برای رسیدن به یک هدف مشترک دیگر سامان می‌یابند. آن هدف، نزدیک شدن دوباره به وضعیتی است که دولت پساتالبان در ابتدای تأسیس در آن قرار داشت: حضور نیرومند سران ائتلاف شمال به خصوص اعضای جمعیت اسلامی در قدرت. با این حال، نمی‌توان زیاد به این مسأله خوش بین بود.

آیا غنی با حفظ سهم ریاست اجراییه باز هم حاضر به پذیرش خواست‌های عطا محمد نور خواهد شد؟ اگر پاسخ ما «آری» باشد، آیا توجیه قدرتمندی برای این کار وجود دارد؟ غنی بر اساس چه محاسبه‌ی حاضر است در واقع بیش از ۷۵ درصد کل حکومت را در اختیار کسانی قرار بدهد که رقبای انتخاباتی و سیاسی اش بودند و عملاً در چارچوب ریاست اجراییه دعوی سهم ۵۰ درصدی دارند؟

تردید نیست که نارضایتی از عبدالله در میان هواداران سنتی سیاسی اش افزایش یافته است. آن هم به این دلیل که عبدالله هیچ وقتی نخواست است راهی را برگزیند که امکان تغییر آن وجود نداشته باشد. او همواره به لحاظ سیاسی، یک رابط قوی بوده است؛ همین خاصیت نیز سبب شده که رفتارش بسیار منعطف و توأم با تفاهم باشد. حتی اگر این تفاهم ریشه در فشار خارجی‌ها داشته باشد. اما از جهتی دیگر، به نظر می‌رسد که موضع عطا محمد نور و عبدالله و سخنگویانش در یک نگاه کلی تر به تغییرات کلان سیاسی نیز ربط دارد. سران سنتی شمال این نگرانی را دارند که در صورت آمدن گلبدین حکمتیار و در صورت تداوم وضع موجود، به کلی به حاشیه نروند. راه جلوگیری از آن، می‌تواند این باشد که از چند جهت فشارها را بر غنی افزایش دهند. تلاش دوباره برای طرح بحث تمرکززدایی از قدرت از سوی عبدالله و طرح دریافت سهم بیشتر از سوی عطا محمد نور، در کنار مسایل دیگر، این فرض را نیز تقویت می‌کند که تمام این مسایل، برای رسیدن به یک هدف مشترک دیگر سامان می‌یابند. آن هدف، نزدیک شدن دوباره به وضعیتی است که دولت پساتالبان در ابتدای تأسیس در آن قرار داشت: حضور نیرومند سران ائتلاف شمال به خصوص اعضای جمعیت اسلامی در قدرت. با این حال، نمی‌توان زیاد به این مسأله خوش بین بود.

قوی‌یی برای عبدالله عبدالله بدل شد و ظاهراً تنها چهره‌ی سیاسی جمعیت اسلامی بود که با قدرت حرف می‌زد و خط و نشان می‌کشید. توجه به مسایل فرهنگی نیز او را در میان حلقه‌ها نسبتاً جوان‌تر به چهره‌ی محبوبی بدل کرده بود. از این منظر، او این فرصت را مساعد شناخت که با طرح انتظارات بزرگتر و فراگیرتر برای انتخابات بعدی آماده شود. در مصاحبه‌ی با بی‌بی‌سی آقای نور پیش‌بینی کرد که دست‌کم به عنوان معاون اول یکی از نامزدهای ریاست جمهوری ظاهر خواهد شد. اکنون نور بر سر مسایلی وارد مذاکره شده که اگر از آن بهره‌ی کافی ببرد، می‌تواند بر اعتبارش بیفزاید و خودش را در نقش یک بازیگر جدی سیاسی متبازر کند.

با این حال جدال بر سر تثبیت موقعیت و به دست آوردن کارت اعتباری‌یی که بتواند با آن کارزارهای انتخابات را پشت سر بگذارد، برای آقای نور چندان ساده نیست. اظهارات اخیر سخنگویان ریاست اجراییه و نیز نشست‌های شبانه‌ی سران جمعیت اسلامی به شمول چهره‌هایی مانند یونس قانونی و احمدضیا مسعود، نشان می‌دهد که جدال نور صرفاً جدال سیاست‌مداران تاجیک و جمعیت اسلامی با حکومت اشرف غنی نیست، جدالی در میان آن‌ها نیز است. کسانی که هر کدام برای احیای قدرت خود می‌کوشند و احساس می‌کنند که از دایره‌ی بازی‌های سیاسی دور افتاده‌اند. اخیراً عطا محمد نور گفته است که «سی سفارت، سی معینیت، ریاست اداره‌های مستقلی مانند ارگان‌های محل، نصف تمام قونسلگری‌ها و ده تا پانزده ولایت» را «می‌خواهد». سخنگوی ریاست اجراییه گفته است که او این پست‌ها را از غنی می‌خواهد نه از «سهم ریاست اجراییه». سؤالی که خلق می‌شود این است که چنانچه خواست عطا محمد نور مشخصاً از غنی باشد،

حکومت شده است. در این مورد آنچه که تا کنون کمتر مورد توجه قرار گرفته، این است که مراد از حق مردم، چه چیزی است؟ آیا آقای نور بر سر سهم «تیم اصلاحات و همگرایی» در حال چانه‌زنی است یا صرفاً سهم تاجیک‌ها و یا از آن هم محدودتر: سهم جمعیت اسلامی؟ «ما»یی که آقای نور از آن صحبت می‌کند، شامل کی‌ها می‌شود؟ پیش از آن‌که پاسخ آن مشخص شود، جمع‌بندی عمومی این بوده که نور در پی کسب اختیارات بیشتر برای خودش و جناح سیاسی‌یی است که او به آن وابسته است: حزب جمعیت اسلامی، یکی از ۱۵ حزب مطرح جهادی در افغانستان. اما صرف‌نظر از این ابهام‌ها، به نظر می‌رسد عطا محمد نور به این درک رسیده که نمی‌تواند غنی را چنان عبدالستار ثابت، لوی سارنوال سابق، تهدید کند که در مورد کار و اقتدارش، جست‌وجو نکند.

به نظر می‌رسد، بخش دیگری از این ماجرا، از همین جا شروع می‌شود. ماجراییی که بخش‌هایی از آن به تأمین منافع اقتصادی و یا دست‌کم صیانت از آن، ربط پیدا می‌کند. عطا محمد نور با تکیه بر منابع بند حیرتان، تا کنون توانسته است به صورت آرام گستره‌ی فعالیت اقتصادی‌اش را افزایش بدهد. ظاهراً بخش‌های از حساب‌های بانکی آقای نور با تهدید بررسی دوباره یا بلوکه شدن مواجه بوده است. حرف‌های در مورد این ناگزیری و قرار گرفتن آقای نور در تنگنای مالی وجود دارد. سومین عامل که نور را از بلخ به کابل می‌کشد، وضعیت سیاسی‌یی است که او در طی سال‌ها تلاش به وجود آورده است. نور در فردای انتخابات ریاست جمهوری، به محبوب‌ترین چهره‌ی اصلاحات و همگرایی بدل شد؛ به خصوص اگر به کتله‌های قومی نظر اندازیم، او محبوبیت زیادی در میان تاجیک‌های کشور کسب کرد. او در آن زمان به نقطه‌ی اتکای

در انتخابات پرتنش که تمام ائتلاف‌ها بر محور نتیجه‌ی انتخابات ریاست جمهوری می‌چرخید، مادامی که عبدالله هشدار به ساختن حکومت موازی می‌کرد، چشم‌ها به بلخ دوخته می‌شد. جایی که عطا محمد نور، حامی سیاسی و مالی تیم اصلاحات و همگرایی، با اقتدار خودش را برای رویارویی با اشرف غنی آماده می‌کرد. والی بلخ در آن زمان تکیه‌گاه بسیاری از جوانانی بود که حامی اصلاحات و همگرایی بودند و قایل به این تصور که «نمی‌شود با نرمش در این مناقشه پیروز شد.» نور که توانسته بود با پشت سر گذاشتن دو دستم و محقق و در یک جدال دایمی توأم با نرمش استراتژیک با حکومت مرکزی، به عنوان یک فرد مقتدر تثبیت شود، گاه لقب فرزانه‌ی بلخ می‌گرفت و زمانی هم با یعقوب لیث مقایسه می‌شد. از این منظر، او مجموعی از ناراضیان را با خود همراه کرده بود: کسانی که از حاکمیت بلامنزاع پنجشیر به تنگ آمده بودند و فرهنگ‌یانی که خواب خراسان بزرگ و احیای دولت با تمدن پارسی را می‌دیدند. شبکه‌ی عظیم اقتصادی او سبب می‌شد که عطا محمد نور برخلاف بسیاری از بازیگران سیاسی درگیر آزمندی‌های کوچک نباشد؛ همان‌طور که نفوذ و گستره‌ی اقتدار سیاسی‌اش او را در برابر رقبای محلی و دولتی حمایت می‌کرد.

اگر روزگاری عطا محمد نور خواستار تغییر چهره‌ی دولت بود، پس از شکل‌گیری حکومت وحدت ملی، او ظاهراً به این نتیجه رسید که باید با حکومت وحدت ملی بر سر به‌دست آوردن «حق مردمش» به گفت‌وگو بنشیند. دلایلی زیادی تا کنون در مورد نرمش عطا محمد نور گفته شده است. اطرافیان آقای نور مانند خودش، مدعی‌اند که به دلیل ناتوانی عبدالله در به‌دست آوردن آنچه که حق آن‌ها دانسته می‌شود، آقای نور وارد گفت‌وگوی مستقیم با

پهلنگ

سخن سخیاد هاتفا

کاشکیوژی

یکی از جوانان به بینی رسیده از دست میهن در فیس گفته بود: «کاشکی در افغانستان متولد نمی شدم». البته او مشخص نکرده بود که در چه کشورهای دیگری متولد می شد خوب بود. مشخص کردن این مساله مهم است؛ چرا که متولد شدن در نوار مرزی غزه، مناطق سیلاب خیز بنگلادش، سودان، گامبیا، جمهوری کنگو، سومالیا و بعضی دیگر از جاهای دنیا نیز چندان دلچسپ نیست.

در ضمن، کاشکی کل گپ همین یک کاشکی می بود. خود این کاشکی این برادر جوان از دل هزار کاشکی دیگر برخاسته که فعلا تاملین و ترمیم شان ناممکن است. چرا که وقتی می گویم کاشکی در افغانستان متولد نمی شدم، در واقع می گویم کاشکی افغانستان این گونه که هست نبود. برای این که افغانستان این چنین که هست نمی بود، کاشکی های زیاد دیگری باید ردیف شوند:

- کاشکی تاریخ پنج هزار ساله نمی داشتیم. این سابقه ی سنگین تاریخی روز ما را سیاه کرده. مثل کلاغ می نشینی و سرت را خم می کنی تا بند کفش ات را محکم کنی. یکی نهیب می زند: «این چه قسم بند بوت محکم کردن است؟ پدرم از پدر کلان خود روایت داشت که محکم کردن بند کفش در دهلیز خانه باعث فقر و قرض داری می شود.»

- کاشکی کوه های وطن این قدر سربه فلک کشیده نمی بودند. چرا؟ برای این که ما تا همین چند سال پیش پرواز هر پرنده یی بر فراز این کوه ها را اهانتی به عظمت این کوه های افتخار آفرین می دانستیم. به همین خاطر، هر بار که کسی خواست طیاره به مملکت وارد کند، ما رژیم سیاسی بر سر قدرت را ساقط کردیم. دل مان سر طیاره پُر بود؛ گفتیم چرا سر داوود خان کل است و چرا امیر حبیب الله هشتاد و هفت زن داشت.

- کوه های مان که سر به فلک کشیده بودند، کاشکی دریاهای وطن مان خروشان نمی بودند. ما ساده بودیم، نعوذ بالله خداوند که ساده نبود. درست است که ما از خروشان بودن دریاهای کشور خود چنان هیجان زده بودیم که این مساله را در کتاب های جغرافیه، تاریخ، کیمیا، ادبیات، تفسیر قرآن، ریاضی، هندسه و بیولوژی خود نیز ذکر کردیم، اما یکی باید به ما می گفت که این دریاهای خروشان نباشند بهتر است. چون اگر خروشان نمی بودند می توانستیم در زمین های مان کچالو و جواری بکاریم (البته در آن صورت از داشتن صحراهای وسیع که مایه ی افتخار دیگری بودند، محروم می شدیم).

این لیست کاشکی ها به بیش از هزار می رسند. چه سرتان را به درد بیآورم؟ حداقل کاشکی در تاریخ درخشان خود این قدر متجاوز و اشغالگر خارجی شکست نمی دادیم. از بس شکست دادیم، وقتی دیگر کسی نیامد که تجاوز و اشغال کند، حوصله ی مان سر رفت و شروع کردیم به شکست دادن همدیگر. دست مان که گرم شد فراموش کردیم که تمرین است و زدیم مملکت را به ویرانه تبدیل کردیم...

کاشکی این جوان آن سخن را در فیس بوک نمی گفت. کاشکی فیس بوک هیچ ساخته نمی شد. هر کس هر چیزی گفت اوقات ما تلخ می شود.

هنر معامله در افغانستان

نیویارک تایمز/بارنت روین | ترجمه: قدرت الله احمدی

سربازان افغان دست کم شش سرباز امریکایی را در یک مقابله به مثل به قتل رساندند. ایالات متحده به زودی این خوش بینی نسبت به خود را از دست خواهد داد اگر اداری ترامپ مهاجرین مسلمان را منع کند. هر حرکتی برای فرستادن زندانیان جدید به گوانتانامو، شکنجه ی زندانیان، تلفات بیشتر غیرنظامیان، ممنوعیت افغان ها برای ورود به امریکا، تحمل و یا تشویق شکنجه ی مسلمانان در ایالات متحده، یا انتقال سفارت از اسراییل به بیت المقدس، توانایی های امریکا برای کار در افغانستان را آسیب خواهد زد.

توسعه ی اقتصادی و برای اتصال افغانستان به بازارها نیاز به همکاری همسایه ها است. دولت های منطقه، پروژه های زیربنایی را برای این کار آغاز کرده اند. ابتکار «یک کمربند و یک جاده» ی چین، غرب چین را با خاورمیانه، اروپا، آسیای میانه و جنوب آسیا وصل خواهد کرد. این شامل دهلیز اقتصادی چین- پاکستان از سینکیانگ تا بندر گوادر در پاکستان در سواحل دریای عرب است. بحران در روابط ایالات متحده- چین یا ایالات متحده- امریکا، انضمام افغان ها را با پروژه ی کریدور اقتصادی چین- پاکستان بیشتر از اکنون مشکل خواهد ساخت.

افغانستان یک جایگزین برای کریدور اقتصادی چین- پاکستان دارد. ایران و هند در حال توسعه ی بندر چابهار در ایران می باشند و آن را به شاهراه اصلی افغانستان متصل می سازند. سه کشور یک موافقت نامه ی ترانزیتی را در ماه می سال گذشته امضا کردند. شینزو آبه نخست وزیر جاپان که نگران حضور چین در بحر هند است، در ماه جنوری به دهلی نو سفر کرد تا مشارکت جاپان در توسعه ی بندر چابهار را تایید کند. در ۲۸ جنوری به لطف آزادسازی تحریم ها بعد از توافق هسته یی، ایران از انعقاد سرمایه گذاری ۳،۲ میلیارد دلاری در پروژه هایی در اطراف بندر چابهار خبر داد. رئیس جمهور ترامپ می تواند با هند و جاپان همکاری کند، اما تحریم های اضافی بر تهران می تواند مانع سرمایه گذاری در چابهار شود و مانعی برای تطبیق موافقت نامه ترانزیتی گردد. اگر اول امریکا در لیست اولویت های آقای ترامپ است، «آشفستگی» در افغانستان بسیار دور به نظر می رسد. آینده ی افغانستان به ایالات متحده وابسته خواهد بود و به همان میزان به چین، هند، روسیه، ایران و پاکستان. ایالات متحده می تواند ترتیبات منطقه یی را شکل دهد که برای ثبات افغانستان کارهای بیشتری انجام دهد و به جای انجام هزاران حمله ی هوایی بدون سرنشین، تروریسم را متوقف کند، اما اگر این کار نشد، ما حضور خود را به تنهایی بخشی از یک جنگ جهانی علیه تروریسم اسلامی می بینیم و تعهد همسایگان افغانستان را غیرممکن می سازیم.

متحده نیازمند قطع حمایت پاکستان از طالبان و مصالحه در افغانستان است. اما عوامل جغرافیایی و جغرافیای سیاسی محدود می کند این که ایالات متحده تا چه حد می تواند بر پاکستان فشار وارد کند. ایالات متحده به پاکستان برای دسترسی به یک افغانستان محاط به خشکه ضرورت دارد. در سال ۲۰۱۱، بعد از حوادث متعدد، پاکستان مسیر ترانزیت زمینی ایالات متحده را مسدود کرد. دسترسی از طریق ایران ناممکن است. در سال ۲۰۱۱ روسیه اجازه داد تا تدارکات از طریق شمال افغانستان صورت گیرد. امروز، این نیز رد خواهد شد و یا هزینه ی بیشتری بخواهد، احتمالاً در اروپا.

آیا افغانستان مهم تر از ناتو است؟ تلاش ها برای تغییر رفتار اسلام آباد با همکاری چین، «دوست همه فصول» آن بهترین نتیجه را دارد. مقام های ارشد در بیجینگ در ماه دسامبر گذشته به من گفتند که همکاری های چین با ایالات متحده در افغانستان بدون در نظر داشت اختلاف ها در مورد دریای جنوبی چین، کوریای شمالی و تجارت، همچنان ادامه خواهد یافت. پالیسی به چالش کشیدن «چین واحد» که ترامپ روی دست گرفته است، تمام زمینه های همکاری مشترک چین و امریکا را به شمول افغانستان پایان خواهد بخشید. پالیسی ضد تروریسم که احتمالاً برای ترامپ خوش آیند است، مصالحه ی سیاسی را ناممکن می سازد. یک روند صلح نیازمند تفکیک طالبان از جهادگرایان جهانی است؛ یکجا کردن پیشینی به گونه یی که بعدی را جدا سازد. پیش نویس یک دستور اجرایی که به بیرون درز کرده است، از احیای شکنجه و ایجاد سایت های سیاه خبر می دهد، که ضمناً به «درگیری های مسلحانه ی جهانی» با داعش، القاعده، طالبان و دیگر گروه های تروریستی بین المللی اسلام گرا نسبت داده شده و هیچ تمایزی را میان آنان قابل نشده است.

هر تلاشی حضور ایالات متحده را در افغانستان مفروض می دارد، هر چند این حضور کم باشد. افغان های ضد طالبان به ایالات متحده به عنوان یک محافظ نگاه می کنند تا یک اشغالگر، اما آیا این استقبال آن ها با رئیس جمهور امریکا که معتقد است «اسلام با ما در ستیز است» و مهاجرین مسلمانان را از سواحل ما منع می کند، پابرجا خواهد ماند؟

در مارچ ۲۰۱۱، زمانی که تری جانس کشیشی فلوریڈایی نسخه ی قرآن را آتش زد، معترضان هفت کارمند سازمان ملل متحد را در مزار شریف به قتل رساندند. در فیبروری ۲۰۱۲، محافظان امریکایی در بازداشتگاه بگرام «نشریات افراطی» را به آتش کشیدند که بعداً گفته شد نسخه های قرآن و رساله های مذهبی بوده است، دو هزار معترض در بیرون از پایگاه بگرام تجمع کرده بودند و درخواست ترک سربازان امریکایی را داشتند. طی هفته های آینده،

ایالات متحده ی امریکا با انکار پناهگاه بین المللی تروریستان با اتخاذ استراتژی یکجاریچه ی دیپلماتیک و نظامی به خوبی می تواند به اهداف خود در افغانستان برسد. هدف فوری این است که از حکومت آن کشور و منابع استراتژیک دفاع شود. در میان مدت، ما ضرورت داریم تا تلاش های خود را برای بایات سازی نظم سیاسی لرزان آن کشور ادامه دهیم و کمک های خود را به دولت و آموزش نیروهای امنیتی آن حفظ کنیم. در درازمدت، ایالات متحده باید از تلاش ها برای ایجاد روابط اقتصادی خودکفا با همسایگان افغانستان حمایت کند.

یک توافق سیاسی، نه تنها با طالبان بلکه با پاکستان و کشورهای دیگر منطقه نیز برای گذر از مرحله ی میان مدت ضروری است. رسیدن به مصالحه نیازمند آن است که ایالات متحده حضور نامشخص نظامی خود را به عنوان برگ برنده حفظ کند، در حالی که تمایل خود را برای گفت و گو و مذاکره در مورد یک برنامه ی زمانی مشخص برای خروج کامل نیروهای خود از افغانستان با همسایگان آن کشور و طالبان نشان دهد.

بعضی از امریکایی ها و افغان ها، تنها به دوره ی کوتاه مدت فکر می کنند، امید می رود رئیس جمهور ترامپ موقعیت ایالات متحده و حکومت افغانستان را در برابر طالبان تقویت کند. براساس گزارش وال استریت ژورنال آقای ترامپ، در تماس تلفنی خود با اشرف غنی رئیس جمهور افغانستان در ماه دسامبر، در مورد ارسال شمار بیشتر سربازان گفت و گو کرده است. او ممکن است فشار بیشتری بر پاکستان اعمال کند تا پناه دادن به طالبان افغان را متوقف کند و اقدامات نظامی سخت گیرانه تری را علیه طالبان در افغانستان به کار گیرد، هر چند هیچ مبنایی وجود ندارد که باور کنیم این اقدامات بهتر از آنچه در ۱۵ سال گذشته وجود داشته، عمل کند.

امید می رود که آقای ترامپ چنین اقدامات بی ثمری را تقویت کند و برخلاف حرف های خود عمل کند. در ماه اکتوبر ۲۰۱۵ به کریس کومبو خبرنگار سی ان ان گفته بود که افغانستان یک «آشفستگی» است و «ما اشتباه بزرگی را مرتکب شدیم که خود را آنجا درگیر کردیم». آقای ترامپ علاوه کرده بود که او «سربازان را از آنجا بیرون می کند، در کمال حسرت». ایالات متحده ۸۴۰۰ سرباز در افغانستان دارد و نیروهای امنیتی افغانستان و باقی دولتی را که سالانه به ۴ میلیارد دالر کسر بودجه مواجه است، تمویل مالی می کند. بعید به نظر می رسد که اداره ی ترامپ این مقدار هزینه ها را حفظ کند، از آنجایی که براساس گزارش ها، در نظر دارد مصارف دولت های فدرال را تا سقف ۱۰،۵ تریلیون دالر در ده سال آینده کاهش دهد. بایات سازی افغانستان با حمایت کم ایالات

هر روز روزنامه اطلاعات روز را پشت در منزلتان در یافت کنید

Subscribe to Daily Etilaat Roz

6 Months

120\$ USD

Annual

200\$ USD

برای ادارات دولتی و شرکتها

۳۰۰۰ افغانی

شش ماهه

۵۰۰۰ افغانی

یک ساله

برای متعلمین و محصلین

۲۰۰۰ افغانی

شش ماهه

۴۰۰۰ افغانی

یک ساله

zaki.daryabi2@gmail.com

صاحب امتیاز و مدیرمسئول: ذکی دریابی

معاون مدیرمسئول: حمیرا رسا

سردبیر: خلیل پژواک

دبیر خبر: عصمت الله سروش

گزارشگر: الیاس نواندیش

ویراستار: عمران راتب

صفحه آرا: هادی دریابی

hussainjoya2014@gmail.com

بازاریاب: محمد حسین جویا ۰۷۶۷۱۵۲۰۶۲

ایمیل: dailyetilaatroz@gmail.com

آدرس: کابل، کارته سه، سرک شورا

شماره تماس: ۰۷۸۹۶۴۵۱۶

مسئول توزیع: روح الله مرادی ۰۷۷۶۹۴۰۴۵۴ / ۰۷۹۲۹۱۹۳۲۲

چاپ: مطبعه امام ۰۷۹۹۱۴۲۹۹۹

یادداشت: تنها یادداشت روز دیدگاه رسمی اطلاعات روز می باشد. مسئولیت سایر نوشته ها به نویسندگان آن بر می گردد.



بگو مگو facebook



Dr. Mohammadi

تقسیمات کشوری افغانستان (۴)

قانون اساسی، معیار تاسیس ولایت را سه عامل: جمعیت، وضع اقتصادی و اجتماعی و موقعیت جغرافیایی می‌داند (ماده ۱۳۶). اما واقعیت آن است که قانون اساسی در این زمینه به کلی گویی پرداخته مفاهیم مبهم و نارسا را در جایگاه عواملی به مثابه معیار تاسیس ولایت ذکر نموده است که قابل احراز و پیمایش نیست. همچنین، در قانون مربوط، علاوه بر شرایط کلی مندرج در قانون اساسی، دو شرط دیگر در مورد ولایت به چشم می‌خورد. براین اساس، منطقه‌یی که بیش از دوصدهزار جمعیت و حداقل، سه ولسوالی داشته باشد، قابل ارتقا به ولایت است. متأسفانه بیان قانون بسیار مبهم و حتماً غلط است؛ داشتن حداقل سه ولسوالی به چه معناست؟ آیا سه ولسوالی موجود، که مربوط به ولایات فعلی است، در صورتی که مجموع جمعیت آن‌ها بیش از دوصدهزار شود، قابل ارتقا به ولایت است یا جمعیت انسانی بیش از دوصدهزار تن را بایستی به سه ولسوالی تقسیم کنیم تا ولایت شود؟ در نتیجه، می‌توان مدعی شد که ایجاد و تاسیس ولایت، معیار دقیق و روشنی ندارد. نکته جالب این است که در قانون مربوط، راه تعدیل ولایات بسته است و این حکم، عطف به ماسبق نمی‌شود. از این رو، ولایاتی که قبل از وضع و تصویب قانون اداری محلی ایجاد شده‌اند، لازم نیست شروط یادشده را داشته باشند.

از این رو، ولایت لوگر با جمعیتی کمتر از دوصدهزار نفر، همچنان ولایت است و کسی حق اعتراض ندارد اما جاغوری با جمعیتی بیش از دوصدهزار حق ولایت شدن ندارد!



Amrullah Saleh

نکته‌های باریک: اگر متوجه شدید که مطبوعات خارجی نوشته‌اند که منابع عاید طالبان و دیگر تروریستان در داخل افغانستان تنها معادن و جزیه گیری است باور نکنید. آن‌ها تلاش می‌کنند ناکامی کشورهای خود را در مهار سازی شرارت پاکستان پنهان کنند. اگر اختلاف قومی را کلان ساختند و بزرگ نمایی کردند بدانید نا کامی خود در ظرفیت سازی نهاد را کتمان می‌نمایند. اگر گفتند مشکل اساسی در اختلاف ارگ با سپیدار است بازهم متوجه باشید که می‌خواهند با این بهانه‌ها از تعهدات خویش دوری نمایند. ملت افغانستان در جنگ ضد ترور قربانی بزرگ داده است. این جنگ در عین زمان که به دفاع از ارزش‌های ملی بوده است به همان اندازه در راستای ارزش‌های جهانی و منافع و اهداف امنیتی جهان بوده است. نگذارید نویسنده‌ها و مبصرین به عوض پرداختن به ریشه اصلی بحران در منطقه که ما قربانی آن هستیم خود ما را عامل ناکامی‌ها بدانند و ما باور کنیم. این روند به نحوی آغاز گردیده است و من می‌بینم که اذهان را از واقعیت تلخ که یا نمی‌توانند یا نمی‌خواهند آن‌را حل کنند دور می‌سازند. افغانستان صدها مشکل داخلی دارد ولی علت بی‌ثباتی و جنگ فعلی اختلافات و گسستگی‌های درونی ما نیست.



Malek Sitez

ملتی که به هنرش قدر نمی‌گذارد، بی‌معنا می‌شود و می‌میرد.

یکی از بازارهای پر درآمد برای افغان‌ها در غرب را گروه‌های موسیقی می‌سازند. این گروه‌ها با دریافت پول‌های وافر و سیاه در محافل خوشی خانواده‌های افغان‌ها آوازه و هیاهو می‌سازند. آن‌ها پارچه‌های زیبایی موسیقی اصیل هنرمندان با سابقه و امروزی را بازخوانی می‌کنند و از این‌راه پول در می‌آورند. اما هنرمندانی که با خون جگر این آهنگ‌ها را ساخته‌اند به سان بیلتون، اسماعیل چاریکاری، رحیم غم‌زده و ده‌های دیگر از فقر و غربت راهی به‌جز مرگ ندارند. آثاتی که در آخرین تلاش‌ها برای زنده‌ماندن، به‌سان امانی و ماشینی در بیمارستان‌ها افتاده‌اند و منتظر حمایت مردم هستند. نمی‌دانم چرا در میان آوازخوانان نهاد یا صندوق حمایتی برای هنرمندان فقیر و بدبخت ما شکل نمی‌گیرد. چرا این «هنرمندان» ما که در هر محفل شادمانی بیش‌تر از دوهزار دالر در می‌آورند و با یک کیبورد و دهل به‌گوش همه چون توپ می‌کوبند، می‌کنایز می‌را شکل نمی‌دهند که به استادان واقعی شان حد اقلی حمایت وجدانی و حرفه‌یی نشان دهند.

این همه اتحادیه، کمیته، مرکز فرهنگی، نهاد هم‌آهنگی، شورا، تلوزیون جهانی و ... که از نام افغان‌ها در کشورهای غربی فعالیت دارند، چرا نمی‌توانند صندوقی برای حمایت از هنرمندان فقیر و بیمار کشور شکل دهند.

بهتر است از ترک‌ها بیاموزیم. آن‌ها برای حمایت هنرمند محلی‌خون به‌نام متین کریم تنها در شهر استرادم یک‌صد هشتاد هزار یورو جمع‌آوری کردند تا بیمارستان داوودپادشاه تومور سرطانی‌اش را مداوا کنند.

من از هنرمندان باتام کشور چون دکتر فطرت، فرهاد دریا، وحید قاسمی، دکتر سمیع حامد، احمد ولی، استاد خیال، استاد مهوش، امیر جان صوری، استاد مددی، داوود سرخوش، دکتر اسد بدیع، شفیق مرید و فعالین مدنی خواهش‌مندم تا در زمینه کاری انجام دهند. ملتی که هنرش را قدر نمی‌گذارد، بی‌معنا می‌شود و می‌میرد.

هشدار مریکا به کره‌ی شمالی: هر حمله‌ی پاسخ «قاطع» خواهد داشت

اطلاعات روز: جیمز ماتیس، وزیر دفاع امریکا با کلمات شدیدی کره‌ی شمالی را تهدید کرد. او گفت حکومت کره‌ی شمالی در صورت حمله هسته‌یی باید منتظر پاسخی «قاطع» باشد.

کمتر از دو هفته است که جیمز ماتیس ریاست پنتاگون را برعهده گرفته. او اکنون پیامی تند و روشن خطاب به کره‌ی شمالی داده است. ماتیس در این پیام شدیدالحن نسبت به استفاده کره‌ی شمالی از سلاح هسته‌یی هشدار داده است: «هر حمله‌یی به ایالات متحده و هم‌پیمان‌های ما پاسخ داده خواهد شد و هرگونه استفاده از سلاح‌های هسته‌یی با واکنشی مؤثر و قاطع مواجه خواهد شد.» جیمز ماتیس که در سنول، پایتخت کره‌ی جنوبی سخن می‌گفت اعلام کرد که امریکا مصمم است از متحدان خود دفاع کند. این نخستین سفر خارجی وزیر دفاع جدید امریکا است. او در دیدار پنج‌شنبه ۲ فوریه /

۱۴ بهمن خود از کره‌ی جنوبی تأکید کرد که از نظر دولت جدید امریکا به ریاست دونالد ترامپ، «تهدیدات هسته‌ای» کره‌ی شمالی به‌عنوان یک مسأله‌ی امنیتی از اولویت بالایی برخوردار است.

ماتیس گفت کره‌ی شمالی همچنان موشک‌های خود را به‌راه می‌اندازد، برنامه‌ی تسلیحات اتمی خود را توسعه می‌دهد و به «رفتار و لفاظی‌های تهدیدآمیز» خود ادامه می‌دهد.

به‌تازگی کیم جونگ اون، رهبر کره‌ی شمالی، در پیامی به مناسبت آغاز سال میلادی از تلویزیون دولتی این کشور گفته بود که به‌زودی کره‌ی شمالی به موشک‌های بالستیک قاره‌پیما دسترسی پیدا می‌کند. امریکا از آن بیم دارد که کره‌ی شمالی به هدف خود برای دستیابی به سلاح هسته‌یی نزدیک و نزدیکتر شود و آن‌ها را بر موشک‌های دور برد خود سوار

جنجال در هند؛ زنان «زشت» باید جهیزیه‌ی بیشتری بدهند

اطلاعات روز: یک کتاب درسی در هند، جنجال ناخواسته‌یی را در این کشور به راه انداخته است. در این کتاب درسی گفته می‌شود که خانواده‌های زنان «زشت» برای به ازدواج درآوردن آنان مجبورند رقم بیشتری را صرف جهیزیه‌ی آنان کنند. در کتاب دانش اجتماعی که توسط ایالت مهاراشترا به چاپ رسیده است، گفته شده

والدین کسانی که آنان را دختران «زشت» و معلول می‌نامد، اغلب اوقات ناتوان از برآوردن خواسته‌ی خانواده‌ی داماد برای جهیزیه‌ی بیشتر هستند. وزیر آموزش این ایالت می‌گوید که دستور به تصحیح این کتاب را داده است. رسانه‌های هند، این بخش از متن کتاب را «اشوک‌آور» توصیف کرده‌اند. هرچند یک

ستون‌نویس گفت که این کتاب درسی صرفاً بر رسوم و نگرش‌های واپسگرایانه انگشت گذاشته و آنان را برجسته کرده است. پرداخت جهیزیه در هند، چه نقدی و چه غیر نقدی، غیر قانونی است اما هنوز در عرف این کشور امری عادی محسوب می‌شود. (بی‌بی‌سی فارسی)

تشدید در گیری‌ها در شرق اوکراین

اطلاعات روز: نیروهای دولت اوکراین و شورشیان طرفدار روسیه هریک دیگری را در درگیری‌ها در شرق اوکراین مقصر دانسته و مسئول گلوله‌باران غیرنظامیان در شهر آودیفکا در شب گذشته می‌دانند. هر دو طرف از تلفات جدید خبر داده‌اند.

مقامات اوکراین می‌گویند در حمله‌ی جدایی‌طلبان به شهر آودیفکا، که در خط مقدم جبهه قرار دارد دو غیرنظامی کشته شده است. این شهر در کنترل دولت مرکزی اوکراین قرار دارد.

شهر آودیفکا مرکز شدیدترین نبرد ها در دو سال اخیر بوده است.

جدایی‌طلبان می‌گویند بر اثر گلوله باران شهر دونتسک، مرکز اصلی شورشیان توسط نیرو های دولت، دو غیرنظامی کشته شدند. مرگ حداقل ۱۵ نفر در شدیدترین درگیری‌ها در هفته‌های اخیر در این منطقه تایید شده است.

از زمان تشدید درگیری‌ها در اواخر هفته شماری از افسراد زخمی شده‌اند.

بیم آن می‌رود که شمار واقعی کشته‌شدگان بسیار بالاتر باشد.

اوکراین روسیه را متهم به آغاز حملات اخیر کرده است. اما مسکو می‌گوید کیف به دنبال به عقب براندن جدایی‌طلبان از مواضع آن‌ها در مناطق دونتسک و لووانسک است.

دو کشور در جریان نشست اضطراری اخیر شورای امنیت سازمان ملل برای بررسی بحران اوکراین دو باره یکدیگر را به افزایش خشونت متهم کردند. بیش از ۹ هزار و هفتصد نفر از آغاز این نزاع در سال ۲۰۱۴ کشته شده‌اند.

مقامات اوکراین در منطقه‌ی دونتسک شورشیان مورد حمایت روسیه را به هدف قرار دادن مدارس و یک استادیوم در شهر آودیفکا متهم کرده‌اند.

عصر روز پنج‌شنبه، پاولو ژبروسکی، فرماندار رسمی منطقه‌ی دونتسک گفت که یک مرد زمان حمله به یک مرکز توزیع کمک‌ها در شهر آودیفکا کشته شد. او بعدتر گفت یک زن به اثر زخمی شدن در حمله‌ی شورشیان به یک مدرسه در این شهر جان داده است.

از قول یک فرمانده اوکراین در آودیفکا گزارش شده است که او تانک‌های خود را برای آن چه پاسخ به تشدید حملات خواننده آماده می‌کند.

تصاویری از ساکنان در یک مرکز موقت توزیع کمک‌ها نشان می‌دهد که برای‌شان مواد غذایی داده می‌شود و تلفن‌های همراه خود را چارج می‌کنند. آودیفکا، که جمعیت آن حدود ۲۲ هزار نفر تخمین زده می‌شود به دلیل گلوله‌باران در هوای سرد بدون آب و برق مانده است.

مقامات اوکراین و سازمان‌های کمک‌رسانی از احتمال یک بحران انسانی بزرگ هشدار داده‌اند و در این شهر وضعیت اضطراری اعلام کرده‌اند.

گزارش‌ها همچنین از گلوله‌باران شهر دونتسک، بزرگترین شهر تحت کنترل شورشیان حکایت می‌کنند.

مقامات مورد حمایت روسیه در شهر دونتسک گفته‌اند دو غیرنظامی در این گلوله‌باران کشته شده‌اند.

همچنین گزارش شده که به اثر انفجاری قدرتمند در این شهر یک ساختمان تخریب شده است و تعدادی از ساکنان دونتسک نیز بدون آب مانده‌اند.

وزارت امور خارجه‌ی روسیه گلوله‌باران توسط توپخانه‌ی اوکراین را نقض کنوانسیون ژنو خوانده و ماریا زاخارووا، سخنگوی این وزارت گفته است هیچ توجیهی برای آنچه او بربریت کیف خواند وجود ندارد.

نیکی هیلی، سفیر جدید امریکا در سازمان ملل متحد، پنج‌شنبه در یک نشست شورای امنیت در نیویورک، حمایت روسیه از جدایی‌طلبان را محکوم کرد.

او گفت: «امریکا در کنار مردم اوکراین که سه سال است از اشغال و دخالت نظامی روسیه رنج می‌برند، ایستاده است.»

خانم هیلی هشدار داد تا وقتی که روسیه و جدایی‌طلبان به حاکمیت ملی اوکراین احترام نگذارند، بحران ادامه خواهد یافت. وی گفت امریکا فعلاً قصد ندارد تحریم‌ها علیه مسکو را کاهش بدهد.

روز پنج‌شنبه ولادیمیر پوتین، رئیس جمهوری روسیه، اوکراین را متهم به از سرگیری نبرد کرد. او که به مجارستان سفر کرده گفت اوکراین قصد دارد پای دولت ترامپ را به بحران بکشاند.

ساکنان محلی به خبرنگار بی بی سی گفته‌اند کاروان‌های نظامی در حال حرکت از طریق قلمرو تحت کنترل جدایی‌طلبان دیده شده‌اند. این منطقه هم‌مرز با روسیه است.

درگیری در شرق اوکراین پس از الحاق شبه‌جزیره‌ی کریمه اوکراین در جنوب توسط روسیه در مارس ۲۰۱۴ آغاز شد.

سرانجام در فوریه سال ۲۰۱۵ در مورد آتش‌بس موافقت شد اما آن به‌صورت مکرر نقض شده است. آخرین آتش‌بس در ۲۳ دسامبر آغاز شد.

امریکا و اتحادیه‌ی اروپا در پاسخ به اقدامات روسیه در شرق اوکراین و کریمه تحریم‌هایی را علیه این کشور وضع کرده‌اند. روسیه بارها ارسال نیروهای نظامی و سلاح به شرق اوکراین را تکذیب کرده اما اذعان کرده که «داوطلبان» روس در کنار شورشیان در جنگ شرکت دارند. (بی‌بی‌سی فارسی)

یورگن کلوپ، سرمربی لیورپول مدعی شد که نمی‌تواند تضمین کند دیگر در کنار زمین احساساتی نخواهد شد.

در جریان دیدار لیورپول-چلسی، پس از اعلام ضربه پنالتی به نفع چلسی کلوپ به شدت عصبانی شد و با حالتی بسیار عصبانی و خشن به سمت داور چهارم رفت. با این حال او از سوی اتحادیه محروم نشد. این موضوع با واکنش تند مورینیو همراه بود. حال کلوپ بار دیگر تاکید کرد که نمی‌تواند تضمین کند رفتار تندی نخواهد داشت.

او گفت: «نمی‌توانم تضمین کنم که این اتفاق دیگر نمی‌افتد. می‌توانستم بگویم دیگر رخ نخواهد داد ولی این یک دروغ

کلوپ: نمی توانم تضمین کنم که دیگر عصبانی نشوم

است. برای همین است که برایش جریمه در نظر گرفته‌اند. اگر بیش از حد پیش برویم، جریمه می‌شویم. این‌که باید جریمه بردازیم منطقی است. مربی‌ها این‌طوری نیستند که ذاتا بخوانند به سمت داورها حمله کنند. فکر می‌کنید ونگر این‌گونه است که وقتی داور چهارم را می‌بیند می‌خواهد او را با مشت بزند؟

گاهی نمی‌توانید خودتان را کنترل کنید و می‌گویید هیچکس قادر به شکست ما نیست. با توجه به بازی‌های اخیر ما، هیچ جمله‌یی احمقانه‌تر از این نشنیده‌ام. همچنین من خوش‌چانس بودم که داور چهارم واکنش خوبی به این قضیه داشت.»

دستگیری مدافع جوان اتلتیکو توسط پولیس اسپانیا

لوکاس هرناندز، مدافع اتلتیکو، صبح دیروز به اتهام کتک زدن نامزدش، در خانه‌اش توسط پولیس دستگیر شد.

درگیری بین این دو حدود ساعت ۲ صبح رخ داده و پولیس در محل حادثه حاضر شده است. هرناندز مقاومتی در مقابل دستگیری نشان نداده و نامزدش نیز به بیمارستان

منتقل شده تا تحت مداوا قرار بگیرد. تحقیقات پولیس پس از اعلام نظر پزشکان در مورد جراحت‌ها ادامه خواهد یافت.

خبرگزاری ال موندو مدعی شد که هرناندز به علت مصرف الکل، حالت طبیعی نیز نداشته و این موضوع می‌تواند به وجهه او بین هواداران اتلتیکو نیز ضربه بزند.

نویر: جانشین کردن ریبری کار دشواری خواهد بود

بایرن مونیخ هستیم و می‌دانیم که تیم با استعدادی داریم؛ البته که از مصدومیت او ناراحت هستیم. با این حال ما تیم بسیار خوبی داریم.»

نویر درباره پیروزی ۲–۱ مقابل وردربرمن گفت: «بهترین عملکرد این فصل ما نبود و نتوانستیم نمایش خوبی داشته باشیم؛ بنابراین نتوانستیم بازی خودمان را با پاسکاری‌های سریع و کوتاه انجام دهیم. فاصله زیادی بین پست‌های تیم ما وجود داشت؛ بنابراین سازمان‌یافتگی ما خوب نبود.»

فابر گاس: همه چیزم را از ونگر و آرسنال دارم

به او داده شد، به او کمک کرد تا به بالاترین سطح فوتبال حرفه‌یی برسد. او به خبرنگاران گفت: «همه چیزم را از آرسنال و به ویژه آرسن ونگر دارم. بدون آن‌ها نمی‌توانستم قهرمان جام جهانی و یورو شوم. نمی‌توانستم همه این تجربیات را در زندگی داشته باشم؛ به همین دلیل برای همیشه از آن‌ها متشکرم. چیزهای زیادی در مورد من و آرسنال گفته شده است. واضح است که دیگر اهمیتی نمی‌دهم مردم در موردم چه می‌گویند. آرسنال همیشه تیمی است که بیش از همه به من باور داشت.»

رونالدو: کوئترائو سرسخت ترین مدافع دنیاست

سرسخت‌ترین مدافع جهان بازی می‌کنم تا بر او غلبه کنم. برادرم کوئترائو.»

کوئترائو ۲۸ ساله به ندرت در تیم زیدان به میدان رفته است. در حقیقت او تنها ۲۲ دقیقه در لالیگا در زمین حضور داشته است و در مجموع رقابت‌ها ۴ بازی در این فصل انجام داده است.



راکیتیچ:

آینده‌ام به بارسا تعلق دارد

ایوان راکیتیچ، هافبک بارسا اعلام کرد که تعلق خاطری کامل به بارسا دارد و قصد انتقال به تیم دیگری را ندارد.

پس از نیمکت‌نشینی‌های پیاپی، صحبت‌هایی در مورد احتمال انتقال راکیتیچ از بارسا شنیده می‌شد. با این حال او عنوان کرد که تمام تمرکش روی بارسا و جام گرفتن با این تیم است و به جدایی فکر نمی‌کند.

او گفت: «آینده من انحصاراً به بارسا اختصاص دارد. می‌خواهم به بازی کردن ادامه دهم و جام‌های متعددی کسب کنم. باشگاه مدتی است که قرارداد جدیدی برای من در نظر گرفته که به این معناست که حضور من در آینده در بارسا قطعی است.»

راکیتیچ درباره قرار نگرفتن نامش در فهرست ۱۸ نفره دیدار مقابل ویارئال گفت: «هیچ بازیکنی در جهان از دیدن چنین صحنه‌یی خوشحال نمی‌شود، بدون هیچ استثنایی. اعتراف می‌کنم که نسبت به این موضوع بی‌تفاوت نبودم.»



ونگر: کانته نقش کلیدی در موفقیت چلسی دارد

آرسن ونگر، سرمربی آرسنال به تمجید از انگولو کانته، هافبک چلسی پرداخت و مدعی شد که او بار دیگر نقشی کلیدی در موفقیت تیمش ایفا می‌کند.

فصل گذشته کانته مهره کلیدی تیم رانبری بود که موفق شد قهرمان لیگ برتر شود. او در تابستان به چلسی پیوست و با این تیم نیز به سوی قهرمانی لیگ گام بر می‌دارد. حال ونگر به تمجید از او پرداخت و مدعی شد که مثل سال گذشته او باز هم در اوج است. سرمربی فرانسوی گفت: «من بازی آن‌ها را مقابل لیورپول دیدم و کانته نقش بسیار پررنگی داشت. این‌که چلسی در جایگاهی است که فصل گذشته لستر در آن قرارداداشت، تصادفی نیست. دیگو کاستا و ادن هازارد به اوج برگشته‌اند و در خط حمله بسیار خوب کار کرده‌اند و همان‌طور که گفتم، کانته نقش پررنگی در تیم ایفا می‌کند.»

ونگر درباره این‌که آیا آرسنال تلاشی برای جذب کانته انجام داد گفت: «بله، وقتی در فرانسه بود، وقتی در لستر بود. بار دیگر نمی‌توانم همه چیز را توضیح دهم . انتقال، انتقال است. نمی‌توان راجع به همه چیز توضیح داد.»



یونایتد با ۱۳۰ میلیون یورو به دنبال گریزمان

دیلی میل مدعی شد که منچستر یونایتد قصد دارد برای جذب آنتوان گریزمان، ستاره اتلتیکومادرید، ۱۳۰ میلیون پوند هزینه کند.

مورینیو می‌خواهد خیالش از بابت خرید گریزمان راحت باشد و از همین رو بالاترین پیشنهاد ممکن را برای خرید این هافبک فرانسوی ارائه خواهد کرد تا پس از جذب او، به سراغ لیندلف، مدافع بنفیکا برود.

مورینیو برای قهرمان کردن یونایتد برای اولین بار پس از سال ۲۰۱۳ در تلاش است؛ از همین رو به فکر تقویت ترکیب تیمش است. تیم او خط حمله قدرتمندی دارد ولی حضور ستاره‌یی مثل گریزمان می‌تواند خط حمله آن‌ها را یک سطح بالاتر ببرد.

همچنین با حضور مدافعینی نظیر فیل جونز، مارکوس روخو و کریس اسمالینگ، حضور لیندلف نیز شرایط را در خط دفاعی به طور کلی تغییر خواهد داد و می‌تواند دفاعی مطمئن برای یونایتد بسازد. شواهد حاکی از آن است که تابستانی پرخرج پیش روی یونایتد خواهد بود.

یحیی توره، هافبک منچسترسیتی مدعی شد که او و هم‌تیمی‌هایش تا پایان فصل برای رقابت با چلسی خواهند جنگید و تسلیم نخواهند شد.

سیتی موفق شد ۴–۰ وستهام را در بازی آخرش شکست دهد و به فاصله ۱۰ امتیازی چلسی رسید. گواردیولا فاصله بین دو تیم را بسیار زیاد می‌داند ولی توره معتقد است که او و هم‌تیمی‌هایش تسلیم نخواهند شد.

او گفت: «اگر به من نگاه کنید، هیچگاه تسلیم نخواهم شد. ولی

توره: در رقابت با چلسی تسلیم نخواهیم شد

فوتبال این‌طور نیست که خارج زمین صحبت کنید؛ فوتبال یعنی داخل زمین. باید خوب کار کرد. برای ما کمی سخت است. چلسی در هفته یک بازی انجام می‌دهد ولی ما در چند رقابت حضور داریم. استحکام را می‌توان در چلسی دید و پیروزی در لیورپول می‌توانست کار را برای ما هم سخت کند ولی ما به چلسی فکر نمی‌کنیم، بلکه به خودمان فکر می‌کنم. باید کارمان را انجام دهیم. رو به جلو پیش برویم و عملکرد خوبی داشته باشیم.»

ایسکورد پیشنهاد تمدید قرارداد رئال

خود نشده است.

به ادعای لاسستا، او دو ماه پیش به پیشنهاد تمدید قرارداد رئال پاسخ منفی داده و با توجه به این‌که تا جون ۲۰۱۸ قرارداد دارد، تابستان آتی آخرین فرصت رئالی‌ها برای توافق با وی خواهد بود؛ در غیر این صورت باید با جدایی ایسکو موافقت کنند.

طبق ادعای همین منبع، ایسکو به مدیر برنامه‌های خود گفته است که پیشنهادات رسیده را بررسی کند. سیتی، چلسی و آرسنال، مهم‌ترین تیم‌های خواهان وی هستند.

شوستر: منتظر اتفاقات جدید زیادی در رئال باشید

خصوص با توجه به هافبک‌های مقتدری که رئال در میانه زمین دارد.

البته هیچ تضمینی نیست که اوپامیانگ بتواند به سرعت جایگاه ثابتی در این تیم پیدا کند؛ چرا که سطح رقابت در رئال با وجود مهاجمانی مثل رونالدو، موراتا و گرت بیل و… بالاست ولی همین‌که خودش اعتراف کرده که می‌خواهد به رئال که در سال‌های اخیر روی فوتبال اروپا سلطه داشته بپیوندد، نشان از انگیزه و اشتیهای بالای او دارد. مطمئتم که تابستان آتی، شاهد اتفاقات و تحولات زیادی در رئال خواهیم بود.»

گفته می‌شود که رئال علاوه بر اوپامیانگ، خواهان جذب دیبالا از یوونتوس است.

فرانک لمپارد از دنیای فوتبال خداحافظی کرد

زیادی برای ادامه دادن به دوران بازیگری‌ام دریافت کردم، در سن ۳۸ سالگی احساس می‌کنم که دیگر زمان آغاز کردن فصلی دیگر در زندگی‌ام است. از اتحادیه فوتبال انگلیس به خاطر این‌که فرصت شرکت در کلاس‌های مربی‌گری را برایم فراهم کرد تشکر می‌کنم و حالا چشم انتظار فرصت‌های بعدی در خارج از زمین فوتبال هستم.»

لمپارد سال ۲۰۰۱ از وستهام به چلسی پیوست و با این تیم سه قهرمانی در لیگ برتر، یک قهرمانی در لیگ قهرمانان اروپا، ۴ قهرمانی در جام حذفی، دو قهرمانی در جام اتحادیه و یک قهرمانی در لیگ اروپا و جام خیریه انگلیس کسب کرد. این هافبک انگلیسی در موفقیت سال‌های نخست مربی‌گری ژوزه مورینیو در لیگ برتر انگلیس نقشی کلیدی داشت.

دیروز در برنامه خوگونس شبکه لاسستا فاش شد که ایسکو دو ماه پیش پیشنهاد تمدید قرارداد رئال مادرید را رد کرده است.

ایسکو بیش از همیشه به جدایی از رئال مادرید فکر می‌کند. پس از ۴ فصل پرفراز و نشیب که ایسکو هرگز نتوانست جایگاهی ثابت برای خود پیدا کند، او تصمیم خود برای جدایی در تابستان آتی را گرفته است.

ایسکو سال ۲۰۱۳ از مالاگا به رئال پیوست؛ اما نه در دوران آنچلوتی، نه در دوران بنیتس و نه حالا با زیدان موفق به تثبیت جایگاه

شوستر: منتظر اتفاقات جدید زیادی در رئال باشید

برند شوستر، مربی و بازیکن سابق رئال معتقد است که این باشگاه،

تابستان نقل و انتقالاتی شلوغی در پیش خواهد داشت.

رئال مادرید تابستان امسال فعالیت چندانی در نقل و انتقالات نداشت و تنها موراتا را از یوونتوس بازگرداند؛ با این حال این‌گونه به نظر می‌رسد که تابستان آتی برای رئالی‌ها، داستان متفاوتی در پی داشته باشد.

برند شوستر در همین رابطه گفت: «مسئولان رئال و زیدان، از عملکرد مهاجمان خود راضی نیستند و اطمینان دارم که رئال برای فصل بعد یک یا دو مهاجم جدید به خدمت خواهد گرفت. یکی از آن‌ها می‌تواند اوپامیانگ باشد. او بسیار به کار رئال خواهد آمد؛ به

فرانک لمپارد، ستاره سابق باشگاه چلسی و منچستر سیتی

به طور رسمی از دنیای فوتبال خداحافظی کرد.

لمپارد ۱۳ سال پیراهن چلسی را بر تن داشت و بعد از نیم فصل حضور در منچسترسیتی و یک فصل بازی در نیویورک سیتی

دیروز به‌طور رسمی از میادین خداحافظی کرد. او که اسطوره چلسی به شمار می‌رود، در زمان مربی‌گری ژوزه مورینیو در این تیم از ترکیب ثابت کنار گذاشته شد تا مجبور شود به لیگ حرفه‌ای فوتبال آمریکا برود. او یک فصل را هم در تیم فوتبال نیویورک سیتی گذراند تا سرانجام از دنیای فوتبال کناره‌گیری کند.

لمپارد که ۶۴۹ بار پیراهن چلسی را پوشیده و با ۲۱۱ گول برترین گولزن تاریخ این باشگاه محسوب می‌شود، گفت: «با این‌که پیشنهادهای

مشاور وزارت دفاع عربستان: به فشار بیشتر بر ایران امیدواریم

در حالی که عربستان سعودی در حمایت از عبد ربه منصور هادی و نیروهای وفادار به او عملیاتی نظامی در یمن را هدایت می‌کند، ایران حامی نیروهای حوثی و نیروهای وفادار به علی عبدالله صالح است. ایران همچنین حامی معترضان شیعه در بحرین است، در حالی که عربستان برای سرکوب آن‌ها به دولت بحرین کمک کرده است. احمد عسیری در پاسخ به این که ایران با دعوت حکومت‌های عراق و سوریه به این کشورها رفته است، گفت: «چرا آن‌ها می‌خواهند کشورها را با ایجاد گروه‌های شبه نظامی حمایت کنند؟ چرا با ارتش ایران به حمایتشان نمی‌روند؟ این شیوه‌ی استفاده از شبه‌نظامیان خلاف قوانین بین‌الملل است.» او گفت: «زمان آن رسیده است که رفتار ایران در منطقه متوقف شود.» (بی‌بی‌سی فارسی)

مواردی با هم متفاوت باشد، اما این دو کشور در سطح استراتژیک همیشه کاملاً هماهنگ هستند. آقای عسیری، که سخنگوی ائتلاف نظامی سعودی در یمن است، گفت: «اگر امریکایی‌ها متوجه شوند که باید ایران را به پشت مرزهای خودش عقب برانند، این چیز خوبی است.» اختلاف نظر ایران و عربستان در سال‌های اخیر روابط دوجانبه را به شدت تیره کرده و برخی معتقدند برخی کشورهای منطقه عرصه‌ی جنگ نیابتی این دو قدرت منطقه‌ی شده‌اند. سال گذشته به دنبال اعدام یک روحانی سرشناس شیعه در عربستان عده‌ای به سفارت عربستان در تهران حمله کردند و این حمله به قطع روابط دو کشور منجر شد. عربستان یکی از حامیان اصلی مخالفان مسلح بشار اسد در سوریه و ایران مهمترین حامی منطقه‌ی او بوده است.

سرتیپ احمد عسیری، مشاور وزارت دفاع عربستان سعودی، به بی‌بی‌سی گفته است که این کشور از نظر استراتژیک کاملاً با امریکا هماهنگ است و امید دارد که فشار بر ایران در سال جاری میلادی افزایش یابد. آقای عسیری در پاسخ به این سوال لیز دوست، خبرنگار بی‌بی‌سی که «آیا فکر می‌کنید سال ۲۰۱۷ سال فشار اقتصادی و یا نظامی بیشتر بر ایران باشد؟» گفت: «اگر امیدوار نباشیم نمی‌توانیم کار کنیم.» این مقام نظامی سعودی افزود: «ما همیشه امیدوار هستیم. ما موضع بسیار مستحکمی داریم. ما در کنار جامعه جهانی و قوانین بین‌الملل قرار داریم.» کمتر از دو هفته پس از روی کار آمدن دونالد ترامپ، دولت امریکا موضع تندی علیه ایران گرفته است. احمد عسیری به بی‌بی‌سی گفت شاید تاکتیک‌های عربستان سعودی و امریکا در

دونالد ترامپ می‌گوید «ایران با آتش بازی می‌کند»

دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور امریکا، در ادامه تنش لفظی با مقام‌های ایرانی، بار دیگر هشدار داد «ایران با آتش بازی می‌کند.» دونالد ترامپ روز جمعه در پیامی توییتری نوشت: ایران «متوجه نیست که رئیس‌جمهور او با ما تا چه حد با آن‌ها مهربان بوده است؛ اما من این‌طور نیستم.» رئیس‌جمهور امریکا یک روز پیش‌تر نیز با تأکید بر اینکه به ایران به دلیل آزمایش موشکی اخیرش رسماً اخطار داده شده نوشته بود: باید به خاطر توافق بسیار بدی که امریکا با آن‌ها کرد قدرتان باشند. از سوی دیگر رسانه‌های بین‌المللی گزارش داده‌اند دولت و کنگره امریکا در واکنش به فعالیت‌های موشکی ایران تحریم‌های جدیدی علیه تهران در دست بررسی دارند. امریکا آزمایش موشکی اخیر ایران را نقض قطعنامه‌ی ۲۲۳۱ شورای امنیت می‌داند اما ایران می‌گوید این آزمایش منافاتی با برجام یا قطعنامه‌ی شورای امنیت نداشته است. (راديو فردا)

تغییر در سیستم اخذ تکت آریانا

داریانا افغان هوایی شرکت
ARIANA AFGHAN AIRLINES

- 1 مسافری محترم آریانا میتوانند هر قدر که تکت های خود را از قبل خریداری نمایند، قیمت نازل تر را بدست آورند.
- 2 سهولت انتخاب سیت برای مسافری محترم در هنگام خرید تکت ها بوجود آمده، که مسافری محترم میتوانند هنگام خرید تکت ها، سیت های خویش را نیز انتخاب نموده و قید نمایند.
- 3 شرکت های سیاحتی میتوانند برای مسافری گروبی خود قیمت نازل تر را نسبت به قیمت اصلی در سیستم بدست بیاورند.

نگاهی به روند پروژه حفظ و مراقبت (MCG)




درولیات کشور، مورد تطبیق قرار می‌گیرد. این پروژه در جریان تطبیق عملی خود به طور فوق العاده‌ی مورد توجه روستاییان بی بضاعت و انانیکه از بیکاری رنج می‌برند، قرار گرفته و آنان خواهشمند دوام پروژه حفظ و مراقبت درقریه های شان هستند. وزارت احیا و انکشاف دهات با تلاش فراوان تا اکنون توانسته است که پروژه حفظ و مراقبت برنامه همبستگی ملی را در بیشتر ولایات کشور عملی نموده و نتایج درخشان آن از بدست آورد. این وزارت با طرح و تنظیم پلان های مدبرانه خویش، روزتا روز، مراحل عملی پروژه حفظ و مراقبت را می بیند و با این تلاش، برای تعداد کثیری از هموطنان روستایی ما زمینه های دسترسی به کار های کوتاه مدت و دراز مدت را ایجاد کرده است. بنا بر معلوماتی که جانب منابع موثق برنامه همبستگی ملی وزارت احیا و انکشاف دهات ارایه گردیده است، تاکنون دومرحله این پروژه در روستا های کشور تطبیق گریده و اینک درجریان عملی نمودن مرحله سوم خود قرار دارد. پروژه حفظ و مراقبت برنامه همبستگی ملی وزارت احیا و انکشاف دهات، از بدو تطبیق خود تا اکنون به طور مجموعی احیا و باز سازی تعداد (۱۳۶۱۵) پروژه انکشافی را مورد تطبیق قرار داده است که عمدتاً (۳۷۷۶۴) روز کاری برای کارگران ماهر و (۱۳۳۸۶۹۲۱) روز کاری برای کارگران غیر ماهر ایجاد شده است.

ناگفته نماند که از آغاز تطبیق پروژه حفظ و مراقبت (MCG) تا اکنون (۱۱۱۳۱) شورای انکشافی قریه تحت پوشش قرار گرفته است و مبلغ (۵۶۶۴۵۶۹۷۴۹) افغانی هزینه مجموعی آن میباشد. درجریان تطبیق پروژه حفظ و مراقبت، بیشتر ازهمه پروژه های انرژی برق، کانال های آبیاری زراعتی، معارف، صحت، حفظ الصحه، آب آشامیدنی صحی و ترانسپورت مورد توجه قرار گرفته است. همچنان، حدود (۳۸٪) پروژه ها در سراسر افغانستان زیر پوشش آمده و این فیصدی مربوط می شود به تناسب پروژه های تکمیل شده (تطبیق شده) بر مجموعه پروژه های تمویل شده توسط برنامه حفظ و مراقبت که شامل (۶۱۲۹) پروژه در حال جریان (۴۷۶۰) پروژه تکمیل شده و (۱۷۲۶) پروژه تأیید شده میباشد.

باید یاد آور شد که پروژه حفظ و مراقبت و کاربایی در سه مرحله مختلف از طریق شوراهای انکشافی قریه برنامه همبستگی ملی وزارت احیا و انکشاف دهات، عملی میگردد. رئیس جمهور کشور، حین اعلام برنامه ملی ایجاد کار برای صلح گفت: « تشدید جنگ و گاهش کمکهای خارجی روی اقتصاد افغانستان وزمینة کار تأثیر منفی گذاشته است و عمدتاً این تأثیر برآن عده هموطنان ما بیشتر است که کار و اشتغال ندارند و روزانه درچراهی ها منتظر می مانند که کسی پیدا شود و آنها را برای کار ببرند تا لقمه نانی را برای خانواده هایشان پیدا کنند.»

درپروژه حفظ و مراقبت تلاش صورت میگیرد تا نهاد ها و پروژه هایی که قبلاً در راستای انکشاف روستا های کشور عملی گردیده و با گذشت بیشتر از یک دهه، به ترمیم و مراقبت نیاز دارند، دوباره ترمیم شده و فعال نگهداشته شوند. همچنان در زمینه رشد زراعت، راه سازی و سایر نیازمندی های بنیادی روستاییان نیز از طریق این پروژه تلاش هایی صورت خواهد گرفت.

ناگفته نباید گذاشت که پروژه حفظ و مراقبت درسه مرحله با درنظر داشت وضعیت آب و هوا، سطح بیکاری و اوضاع امنیتی

برنامه ملی ایجاد کار برای صلح، سال قبل بوسیله جلالتماب محمد اشرف غنی رئیس جمهوری اسلامی افغانستان، اعلام گردید. از طریق این برنامه سعی و تلاش صورت گرفت که در سراسر کشور، به منظور کاهش سطح بیکاری و رشد اقتصادی مردم، از تمامی امکانات موجود استفاده گردد.

برای تحقق این آرمان، هر وزارتخانه جمهوری اسلامی افغانستان کمرهت بسته و به نوبه خود از طریق ارگان و اداره خویش، تصمیم گرفتند آن چنان پروژه هایی را در عمل تطبیق نمایند تا اگر معضله بیکاری در سطح تمام ولایات کشور به گونه بنیادی نابود نگردد، لااقل کاهش بیاید.

در این میان وزارت احیا و انکشاف دهات نسبت به سایر ارگانهای دولتی در راستای تحقق برنامه ملی ایجاد کار برای صلح، حیثیت پیشاهنگ را داشته زیرا این وزارت در زیر چتر برنامه مذکور، با تطبیق پروژه بزرگ حفظ و مراقبت برنامه همبستگی ملی، به حفظ و بازسازی سرک ها، کانالهای آب، شبکه های آبرسانی و همچنین در زمینه ایجاد کار و اشتغال برای مردم روستا های کشور، اقدام نموده است.